



شاید زمانی واقعی است که با کسی به اشتراک گذاشته شود.

به سوی طبیعت وحشی / شان بن



### پیشنهاد

## خانواده دوست‌ترین انیمیشنی که می‌شناسم

من شیفته اوقاتی هستم که غرب دست‌هایش را به نشانه تسلیم بالا می‌برد، سرش را پایین می‌اندازد و به اشتباهش اعتراف می‌کند. توبه عقیدتی هنرمندان غربی را دوست دارم، وقتی با اثرشان اعلام می‌کنند سیاست همه‌گیر مملکتشان غلط بوده و آنها تصمیم گرفته‌اند برخلاف آن حرکت کنند. انیمیشن «چه رئیس» را در همین راستا می‌بینم، چه قسمت اولش که قیام هنر غربی برای احیای فرزندپروری به جای نگهداری از حیوان خانگی بود، چه قسمت دومش که اعتراض به فشار شدید آموزشی بر کودکان بود.

با این نگاه، انیمیشن بی‌نظیر «میشل‌ها علیه ماشین‌ها» مهم‌ترین توبه‌نامه انیمیشنی غرب است! این بیادیه گروهی از هنرمندان آمریکاست که از سیاست‌های ضد خانواده مملکتشان به ستوه آمده و فیمیده‌اند خانواده مهم‌ترین رکن هستی است.

می‌توانم ساعت‌ها درباره‌اش حرف بزنم از بس که غنی و جاندار است. داستان در ظاهر درباره یک خانواده معمولی هچل هفت است که با نوجوانشان چالش دارند، اما در باطن بی‌اعراق در هر فرمایش به یک دغدغه متعالی پرداخته است. تکنولوژی زدگی، تقابل سنت و مدرنیته، شکاف بین نسل‌ها، چالش‌های نسل زد، احیای روابط خانوادگی، رسانه زدگی و میل افراطی در به نمایش گذاشتن عاطفه خواهر و برادری، باز هم بگویم؟! همه اینها و خیلی بیشتر از اینها در میشل‌ها پیدا می‌شود.

بهترین ویژگی این اثر این است که شما اصلاً احساس نمی‌کنید میشل‌ها یک خانواده آمریکایی‌اند! انگار پدر این خانواده را از کوجه‌های تهران برداشته‌اند! مادرشان انگار در خانه خود شما زندگی می‌کند. این برای من خیلی شیرین است که بینم ما انسان‌ها فارغ از ملیت و نژاد، دغدغه‌های مشترک داریم.

دومین ویژگی معرکه‌اش این است که بانمک‌ترین انیمیشن فهرست محبوب‌های من است! واقعاً شما را می‌خنداند. همین باعث می‌شود به رغم اکشن خوب، اضطراب‌آور نباشد و بچه‌های ۵ سال به بالا بتوانند راحت تماشاایش کنند. بدی‌اش؟ یکی حضور پررنگ سگ به‌عنوان عضو خانواده که با جهان بینی من نمی‌خواند، شاید شما با آن مشکلی نداشته باشید. دیگر؟ پیکسل رنگین‌کمانی روی لباس دختر خانواده و حضور گاه و بی‌گاه آن رنگین‌کمان معروف.

سر این قضیه حساس و دقیقم. با همان دقت به شما می‌گویم از این نظر در نسخه دوبله شده، من هیچ مشکلی ندیدم. نمانده خاموش‌اند و مابه‌ازای دیگری در اثر ندارند، بنابراین توجه بچه‌ها را جلب نخواهد کرد.

این را هم بگویم که لیندا، مادر خانواده میشل‌ها، عشق من است! سکانس‌های بیانی با حضور او اصافاً دست‌میرزاد دارد.



بهروز مغزبند نویسنده



توبه عقیدتی هنرمندان غربی را دوست دارم، وقتی با اثرشان اعلام می‌کنند سیاست همه‌گیر مملکتشان غلط بوده و آنها تصمیم گرفته‌اند برخلاف آن حرکت کنند

### عکس نوشت



از عرب‌های ساکن استان‌های جنوبی ایران گرفته تا عرب‌های عراق، در مضافات میمهانان خود پذیرایی می‌کنند. سانی بزرگ و گسترده با ستون‌هایی از نی و پوششی از حصیر که شکاف‌هایی پنجره‌مانند برای ورود نور دارد و کف آن با فرش و قالیچه پوشانده می‌شود و مکانی برای پذیرایی از میمهانان و جلسات حل و فصل امور است. ورودی فضیف باید رو به قبله و بدون در بوده تا همواره به روی میمهانان گشوده باشد. ارتفاع این در کوتاه‌است تا افراد وارد شوند به احترام حاضرین در جلسه سر را خم کنند.

عکس: تسنیم

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- سردبیر: حسام الدین برومند
- معاون فنی: محمدملالی‌اکبری
- دبیران: مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرین رستمی و نند (اجتماعی)
- بنفشه غلامی (جهان)

# ایران

### امام حسن عسکری (ع)؛

در ادب تو همین بس که پرهیز کنی از آنچه از دیگران خوست نمی‌آید.



سخن‌روز

بحارا لاتوار، ۲۵

### نگاره



طرح: صالح کاهانی



سعید مستفانی منتقد سینما

### یادداشت

## بروید سینما یاد بگیرید

اسامی فیلم‌های پذیرفته شده در بخش‌های مختلف هفتاد و هفتمین جشنواره کن اعلام شد؛ ۵۴ فیلم در ۶ بخش رقابتی و غیررقابتی که هیچ فیلم ایرانی در میان آنها نیست! البته تکلیف سینمای معمول و روتین ایران را که مدت‌هاست روشن کرده و دو سالی است که (به‌طور رسمی و غیررسمی) اعلام کرده‌اند هیچ فیلمی حتی با قوی‌ترین ساختار سینمایی اگر مجوز رسمی ساخت در ایران داشته باشد، در این جشنواره‌ها پذیرفته نخواهد شد! یعنی به‌طور علنی و رسمی، سینمای ایران را تحریم کرده‌اند! اما در میان ۵۴ فیلم یادشده هیچ اثری از موجودی موسوم به سینمای زیرزمینی و به اصطلاح مستقل هم به چشم نمی‌خورد! در حالی که گویا حدود ۴۰ فیلم از این دست آثار برای شرکت در جشنواره کن ثبت‌نام کرده و برخی از آنها علی‌رغم هماهنگی با لایه‌های معروف خود در اروپا و آمریکا و قطر و به‌خصوص اتحادیه اروپا و استودیوهای وابسته نیز نتوانستند توجه مدیران جشنواره کن را جلب نمایند. گفته شده بود که برخی از آثار یادشده سعی داشته‌اند همان شعار «زن زندگی آزادی» را به فیلم دریا بزنند و برخی دیگر نیز براساس خوش‌آمد شبکه‌های خارجی، به شعر و شعارهای معمول ضد ایرانی پرداخته و تصویری مطلوب از ایران و ایرانی ارائه داده‌اند. همچنین گویا برخی آثار منقاصی محصول مشترک با کشورهای دیگر بوده و برخی هم به صورت اپیزودیک و گروهی ساخته شده و حتی بعضی توجه بخش‌کنندگان خارجی را نیز جلب کرده‌اند. حدس قریب به یقین سازندگان این آثار چند بود که گویا به هر شکل این محصولات برای جشنواره کن انتخاب خواهند شد. از جمله آثار یادشده می‌توان به فیلم «زمانی برای کشتن» (علیرضا خاتمی) اشاره داشت که هم‌راهِ علی عسکری در بخش نوعی نگاه، پذیرفته شد. همچنین صحبت از یک فیلم اولی در میان بوده که گویا به نظر هوادارانش شناس بالایی در جشنواره کن می‌توانست داشته باشد! اما هیچ‌یک از آثار فوق در جشنواره کن پذیرفته نشدند و براساس شنیده‌ها، به دلیل ساختار

ضعیف سینمایی و بعضاً نداشتن هیچ نوع ساختار و فرم سینمایی، مورد قبول مدیران جشنواره قرار نگرفته‌اند؛ همان کمبودی که در سال‌های قبیل گریبان حتی آثار پرسروصدایی مانند «برادران لایلا» (سعید روستایی) و «شب داخلی، دیوار» (وحید جلیلووند) را با وجود تمامی حمایت‌های ریز و درشت خارجی و همه ابراز حقارت‌ها در کنفرانس مطبوعاتی گرفت، ولی به دلیل ساختار ضعیف، دست خالی از جویز آن جشنواره‌ها بیرون فرستاده شدند. فیلم «ایه‌های زمینی» را هم با همه پشتک‌وارهای خود فیلم و سازندگانش برای جشنواره کن، به بخش اصلی مسابقه راه ندادند و هیچ جایزه‌ای هم برایش در نظر نگرفتند. همان اتفاقی که برای فیلم‌های «تاتامی» (محصول مشترک یک بازیگر فیلم‌های پورن با اسرائیلی) و «خورشید طلوع خواهد کرد» (آیت نجفی) در جشنواره فیلم ونیز افتاد و نه تنها هیچ‌کدام به بخش مسابقه اصلی جشنواره راه نیافتند بلکه در بخش‌های جنبی هم هیچ جایزه یا تقدیری نصیبشان نشد. اما تیر خلاص به این نوع به اصطلاح فیلم‌های زیرزمینی، در جشنواره فیلم برلین زده شد که اگرچه به دلیل خاصیت فوق‌سیاسی‌اش و گرایشات بشدت ضد ایرانی مدیرانش همچون کارلو چاتریان و ماری ریسنیک، بالاخره یکی از همین دسته آثار یعنی «کیک محبوب من» به بخش مسابقه این جشنواره راه یافت و با استفاده از دکان ممنوع الخرجی سازندگانش، همه جماعت آن طرف مرز و زامی‌های این طرف مرز آماده برگزار جشن پیروزی جویز آن بودند اما به همان دلیل ضعف فوق‌العاده در ساختار، حتی یکی از جویز متعدد داوران این جشنواره را هم نتوانست دریافت کند! اینجا دیگر حتی جشنواره برلین با همه سیاسی‌بازی‌های معروفش هم نتوانست چشمش را به روی آماتوریزم زرد و ناپلیدی مفرط سازندگان «کیک محبوب من» ببندد و برای بازگشایی عقده‌های سیاسی، ولو جایزگی هم پیش پای آنها نینداخت!

اما اینک در هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم کن حتی همان یک اثر ولو در بخش‌های بسیار جنبی نیز پذیرفته نشده و این یعنی فی الحال تیر خلاص جشنواره‌های جهانی

## کسانی که اقدام غیرقانونی نکرده‌اند، منعی برای کار ندارند

در همه زیرمجموعه‌های سازمان سینمایی، طبق قانون و مقررات با هنرمندان برخورد می‌شود. دوستانی که اقدامی غیرقانونی نکرده‌اند، منعی برای کار در مرکز یا زیرمجموعه‌های دیگر سازمان ندارند و مشغول به کارند. من از صف و خانواده سینمای مستند هستم و خودم را متعلق به این خانواده می‌دانم. به‌گفت‌وگو و تعامل معتقدم و می‌دانم که برای اغلب مشکلات راه‌گشاست. دوستانی که گمان می‌کردند درهای مرکز به رویشان بسته است، آمدند و فیلم ساختند و خواهند آمد و متوجه خواهند شد که اینجا فقط قانون و ملاک‌های حرفه‌ای حاکم است.



از صحبت‌های محمد حمیدی مقدم، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی با ایلا

به این نوع آثار ضعیف و سخیف و ضد هنر و سینما. این در حالی است که هنوز و به عنوان گزارش یکساله، رسانه‌های زنجیره‌ای خارج و داخل و زامی‌ها و شیفگان مهم‌شان درباره این نوع آثار عبارات و جملات عجیب و غریب و فضایی به‌کار می‌برند؛ مانند: «ستاخیز سینمای زیرزمینی ایرانی» (گزارش بی‌بی‌سی)، «تولدی دیگر برای سینمای ایران در ۲۰۱۴: علیه سانسور و حجاب اجباری» (العربیة فارسی)، «قدرت گرفتن سینمای زیرزمینی» (رادویو فردا)، «انقلابی که در سینمای ایران رخ داد» و...

اگر در این سوی دنیا، یکسری زامی‌های سرخورده و الکی خوش و نالگاه، کولی این شامورتی بازی‌ها را می‌خورند یکی جشنواره‌های جهانی آنچنان هم بی‌در و پیکر نیستند که هر خزعبلاتی را به نام فیلم بپذیرند. آنها با خودشان هم تعارف ندارند. درست است که با تحریم آثار سینمای ایران، اعتبار و حیثیت هنری خود را زبر سؤال بزدان‌ها دیگر انقدر خوار و خفیف نشده‌اند تا هر دری‌وری که چهار تا فحش و اراجیف را سرهم کرده، به عنوان فیلم در جشنواره خود بپذیرند. ماجرای ممنوع الخرجی و ممنوع‌الکاری را هم که امثال جعفر پناهی و محمد رسول‌اف تماش را درآوردند و نسخه تازه‌ای از آنها دیگر تیر کت هیچ جشنواره‌ای نمی‌رود! حضرات! آقایان! جماعت! تنها راه این است که پیش و پیش از هر گله معلق و پشتک‌وار و ابراز حقارت و بردگی و... فقط کمی «سینما» را یاد بگیرید! همین! باور کنید چندان مشکل نیست. به نظرم سر هم کردن آن اراجیفی که می‌بایقد، خیلی دشوارتر است تا یادگرفتن سینما و قواعد آن! دیگر آن‌ها کنا تعطیل شد و برای مدت جدید لااقل باید اندکی «سینما» هم بلد باشید و بعد هر خزعبلاتی که خواستید سر هم کنید. شما ادعای فیلمسازی دارید یعنی مدعی هستید که «فیلم» ساخته می‌سازید، نه اینکه بیانیه‌های پرغلط بنویسید و سخنرانی‌های شصت‌من یک‌غاز انجام دهید و انشاهای بی‌سر و ته قالب کنید اما گویا این بار او هم متوجه کن حتی همان یک اثر ولو در بخش‌های بسیار جنبی نیز پذیرفته نشده و این یعنی فی الحال تیر خلاص جشنواره‌های جهانی

## فضای مجازی

### برنامه‌ای برای ادبیات دوستان

محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر فعال در حوزه ادبیات، تازه‌ترین حضور خود در فضای مجازی را به انتشار مطلبی درباره یکی از ویژه‌برنامه‌های شبکه چهار تلویزیون اختصاص داده. او درباره جلسه پیش روی این برنامه که «یادی از فروغ فرخزاد در سرزمین شعر» نام دارد، نوشته: «برنامه سرزمین شعر، هر شب حوالی ساعت ۲۲:۳۰ از شبکه چهار سیما پیش می‌شود که چند شب دیگر هم از آن مانده است.» کاظمی در ادامه درخصوص سیاست‌هایی که علاقه‌مندان از آن طریق امکان مشاهده آنلاین برنامه مذکور را دارند نیز چند سطر نوشته است. اگر دوستدار بهره‌مندی از این برنامه ادبی هستید، سری به صفحه محمد کاظم کاظمی بزنید.

### نوشته آرش خوش خود درباره «کاترین دونوو»

آرش خوش، منتقد سینما که هرازچندی مطالبی در نقد یا معرفی ساخته‌های مشهور سینمای جهان و همچنین هنرمندان شاخص کشورهای مختلف می‌نویسد، این مرتبه تازه‌ترین یادداشت خود را به «کاترین دونوو» اختصاص داده. او نوشته: «کاترین دونوو، نیاز چندانی به هنر بازیگری به مفهوم آکادمیکش ندارد. فن بیان، تک‌گویی‌های بلند و پرفرازونشیب، طوفان احساسات بر چهره...! او فقط کافی بود در فیلمی حضور داشته باشد. او همیشه می‌توانست به سادگی در مرز مصومیت و گناه بایستد، بی‌آنکه تالشی کند.»

### کتاب شاه‌آبادی در فهرستی از برترین‌های جهان

حمیدرضا شاه‌آبادی، پژوهشگر و نویسنده ادبیات داستانی در استوری تازه‌اش، از راه‌پایی یک کتاب از نشر آق به فهرست آثار ممتاز جهان درباره کودگان دارای معلولیت خبر داده است. بر اساس اطلاعاتی که او به اشتراک گذاشته، این کتاب «موزی که می‌خندید» نام دارد و یکی از نوشته‌های شاه‌آبادی است. «کتاب موزی که می‌خندید» از جمله کتاب‌های تصویری و برای مخاطبان کم‌سن و سال است. کتاب تصویری به آثاری اطلاق می‌شود که در آنها تصاویر نقشی مهم و محوری در انتقال مفاهیم به مخاطب ایفا می‌کنند؛ تا جایی که کودگان حتی بدون خواندن یا شنیدن متن و تنها با نگاه کردن تصاویر، به کلیت داستان و مفهوم و پیام آن پی می‌برند. نویسنده در این داستان از مهارت دوست‌یابی و نقش مؤثر و پررنگ دوست و دوستی در زندگی سخن گفته و ضرورت انکازناپذیر ارتباط با دیگران را یادآور شده است. طراحی و تصویرگری کتاب «موزی که می‌خندید» را حسن موسوی برعهده داشته است.

### پیشنهاد نغمی برای تماشای یک تئاتر

حمیدرضا نغمی، نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر در استوری اخیر خود از پیش‌فروش نمایش «روال عادی» خبر داده و تماشای آن را به مردم پیشنهاد داده است. نویسنده این نمایشنامه «زان کلود کاریر» است که اصغر نوری ترجمه آن را به عهده داشته و نام مجید مجیدی هم به عنوان تهیه‌کننده‌اش عنوان شده است. در خلاصه داستان این نمایش که کارگردانی آن را «کیارش زمست» برعهده دارد، آمده: «خبرچین و کمی‌سر به شکل مخفیانه در شب با یکدیگر دیدار می‌کنند.» حمیدرضا حیدری، ایوبدر موسوی بیدلی، شیما خوش‌اقبال، مهدی موسوی، عطیه شبانی و ثنا میرزایی اسامی هنرمندانی است که در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.

### نگاه عزتی پاک به مهاجرت

علی اصغر عزتی پاک، نویسنده و منتقد ادبی چند سطر درباره مهاجرت با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته. او نوشته: «مرز برای چند ساعت به دل ایرها تقسیم. سفرمان با دیپاچه گلستان سعدی شروع شد که ساعد باقری می‌خواند. درباره مهاجرت حرف زیم و جابه‌جایی بذر که با رفتن بی‌بازگشت اتفاق می‌افتد و چه خسارت بزرگی است. درباره داستان داریوش شایگان گفتیم که با عتاب پدر، زمین خریداری شده در خارج از کشور را پس می‌دهد، چرا که ما خودمان در ایران زمین داریم. بنابراین راهی پیش پای او گشوده می‌شود و برمی‌گردد. من هم گریزی زدم به زمان تشریف که در صحنه‌ای از آن، وقتی شه‌باز از پدرش که کارمند سرجل احوال است و تبارشناس و اصالت‌گرا، می‌پرسد پس ما چی؟ پدر در حالی که باجچه حیاطش را سامان می‌دهد و گشت می‌کند، می‌گوید ما در آینده‌ایم پیروم! این سخن می‌تواند مایه امید باشد و می‌تواند توهم تلقی شود. در نظر من اما خیره شدن به سرگذشت انسان، تجربه زندگی و نیز طبیعت همیشه چراغ امید را برمی‌افروزد.»



سخن‌روز



نگاره



سرسریجه



طرح: صالح کاهانی

